

بررسی رابطه بین بعد ملی هویت فردی و تمایزیافتگی فردی با میانجی‌گری ارتباطات جمعی و چرخه هویت اجتماعی

محمد سلگی^۱، حسین حیدری^۲، بهرام صالح صدق‌پور^۳، احسان آقاپور^۴

چکیده

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۳/۱۱ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۲/۲۲

هدف: هدف بررسی تأثیر بعد ملی هویت فردی بر میزان تمایزیافتگی فردی با واسطه‌گری ارتباطات جمعی و هویت اجتماعی است. **روش:** روش پژوهش، روش پیمایش از نوع همبستگی است. جامعه آماری شامل شهروندان بالای ۱۵ سال مراکز استان و حجم نمونه ۱۳۰۰ نفر است. ابزار تحقیق، پرسشنامه محقق ساخته است و برای تجزیه و تحلیل نتایج نیز از تحلیل معادلات ساختاری استفاده شده است. **یافته‌ها:** بین بعد ملی هویت فردی و تمایزیافتگی رابطه مستقیم و مثبت وجود دارد. تمایزیافتگی از سنت‌گرایی، ملی‌گرایی، دین و قومیت به صورت مستقیم و از ملی‌گرایی، دین و ارتباطات جمعی نیز به صورت غیرمستقیم متأثر است. **نتیجه‌گیری:** هویت فردی امری چندلایه، پویا و متکثر است و ابعاد مختلف آن بر یکدیگر تأثیر متقابل دارند و هر گونه تغییر در یکی از ابعاد، تغییر در سایر ابعاد را به دنبال خواهد داشت.

واژه‌های کلیدی: تمایزیافتگی فردی، هویت اجتماعی، هویت ملی، هویت قومی، سنت‌گرایی

۱. نویسنده مسئول، دکترای روان‌شناسی، استادیار، گروه جامعه‌شناسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد

دانشگاهی، تهران، ایران. solgy2042@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، مربی، گروه جامعه‌شناسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی

جهاددانشگاهی، تهران، ایران.

۳. دکترای روان‌شناسی، دانشیار، گروه روان‌شناسی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران.

۴. دانشجوی دکتری سلامت و رفاه اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، تهران، ایران.

مقدمه

در سال‌های اخیر هویت^۱ به یک مفهوم نظری مهم و چالش برانگیز تبدیل شده است. اریکسون^۲ از جمله کسانی است که برای اولین بار هویت فردی را مطالعه کرد. اریکسون (۱۹۶۸) هویت فردی^۳ را به صورت یک احساس نسبتاً پایدار از یگانگی خود تعریف می‌کند که علیرغم تغییر رفتارها، افکار و احساسات، برداشت یک فرد از خود همواره مشابه است. این احساس که «ما چه کسی هستیم؟» باید با نگرشی که دیگران نسبت به ما دارند نسبتاً همخوان باشد. از نظر اریکسون تمام افراد در طول زندگی، هشت مرحله را پشت سر می‌گذارند. مرحله پنجم در نظریه او «احراز هویت یا هویت‌یابی» است. هویت در نظریه اریکسون در برگزیده جنبه وجودی^۴ و جایگاه وی در هستی نیز هست؛ در این که معنای زندگی چیست؟ یا معنای زندگی من چیست؟

مارسیا^۵ (۱۹۸۷) کشف^۶ و تعهد^۷ را به عنوان ابعاد هویت تعریف می‌کند. کشف یا کاوشگری شامل توجه فعال به عناصر گوناگون هویت در جهت رسیدن به احساس کامل‌تری از خویشتن است؛ در حالی که بعد تعهد، تصمیم نسبت به مجموعه خاصی از اهداف، ارزش‌ها و باورها را نشان می‌دهد (سلگی، ۱۳۸۹). از نظر مارسیا هویت را می‌توان در سه سطح در نظر گرفت: نخست، احساس هویت در همخوانی با انتظارات والدین، همراه با یک احساس نسبتاً خوب از خود بستگی دارد. گرچه این فرایند، بیشتر ناهشیار است، اما اهمیت مساله در خلق انتخابی خود فرد است، نه فرض بدون چون و چرای نقشها و باورهای مشخص شده توسط والدین و جامعه. دوم، احساس هویت به فرد این توانایی را می‌دهد تا خودش را به صورت یک موجود در حال پیشرفت ادراک کند.

1. identity.
2. Erikson, E.
3. personal identity.
4. Existential.
5. Marcia, J.
6. Exploration.
7. Commitment.

سوم، احساس هویت در رفتارهای اجتماعی خاص، که برای مردان در شغل و اعتقادات (ایدئولوژی) و برای زنان در روابط اجتماعی تجلی می‌یابد. به نظر مارسیا در صورت وجود شرایط متوسط و مورد انتظار، دستیابی به هویت روی خواهد داد و تمایز یافتگی فردی خود را نشان خواهد داد. تمایز یافتگی توانایی فرد در تفکیک فرآیندهای عقلی و احساسی خود از دیگران را نشان می‌دهد. افراد تمایز یافته تعریف مشخصی از خود و عقایدشان دارند، می‌توانند مسیر خویش را در زندگی انتخاب و در موقعیت‌های عاطفی (که در بسیاری از افراد منجر به بروز رفتارهای غیرارادی و گرفتن تصمیمات نافرجام می‌شود)، کنترل خود را از دست ندهند و با عقل و منطق تصمیم‌گیری کنند. در مقابل، افراد تمایز نیافته که هویت فردی مستقلی ندارند، در تنش‌ها و مسایل بین فردی، همراه با جو عاطفی حاکم بر محیط اطراف حرکت می‌کنند، اضطراب مزمن بالایی را تجربه می‌کنند و مستعد مشکلات روان‌شناختی و بروز نشانه‌های بیماری هستند.

به نظر گیدنز^۱ فردی که ثبات معتدلی در هویت شخصی خود احساس می‌کند، زندگی‌ای پیوسته و بدون بریدگی دارد؛ به همین دلیل می‌تواند با سایر افراد درآمیخته و ارتباط برقرار کند (رحیمی نژاد، ۱۳۷۹). در فرایند شکل‌گیری هویت فردی دو عمل شناخت خود و شناساندن خود به دیگران انجام می‌شود. این دو عمل باعث تمایز فرد از دیگران، تفاوت‌گذاری و دگرگونه‌سازی می‌شود. چنانکه گیدنز می‌گوید: هویت هر شخص را نباید در رفتار او و در واکنش‌های دیگران جستجو کرد، بلکه باید آن را در توانایی و ظرفیت وی برای حفظ و ادامه روایت مشخصی از زندگینامه‌اش یافت؛ زندگی‌نامه شخصی که به حفظ روابط متقابل و منظم با دیگران علاقه‌مند است، خیالی و ساختگی نیست؛ زندگی واقعی باید به طور مداوم رویدادهای دنیای خارج را در خود ادغام کند و آنها را با تاریخچه جاری «خود» شخص سازگار سازد.

به طور کلی هویت به صورت کلی به دو بعد هویت فردی و هویت اجتماعی تقسیم

1. Giddens, A.

می‌شود. یکی از جنبه‌های مهم ساختار هویت، رشد و تحول هویت فردی است. از نظر موشمان^۱ (۲۰۱۱) هویت فردی نظریه شخص است در مورد اینکه چه کسی است و یا به چه کسی می‌خواهد تبدیل شود. افرادی که دارای هویت رشد یافته هستند تصور روشنی دارند در مورد اینکه چه کسی هستند، جایگاه خود در جهان را درک می‌کنند و از شخصیت دلخواه و مطلوب خود، شناخت روشنی دارند. علاوه بر این، آنها به صورت سلسله مراتبی هویت خود را سازمان داده‌اند به گونه‌ای که برخی از ابعاد هویتی به عنوان محور هویتی مشخص شده یا ضروری‌تر از سایر حالات در نظر گرفته می‌شوند (بلاسی^۲، ۲۰۰۴). شواهد نشان می‌دهد هویت فردی رشد یافته، در بهزیستی روانشناختی و سلامت روانی تأثیر بسزایی دارد، اینگونه افراد کمتر در معرض رفتارهای پرخطر قرار می‌گیرند، روابط بین فردی و رفتارهای اجتماعی آنها مثبت‌تر است و در موقعیت‌های خاص کمتر پرخاشگر هستند (شوآرتز و همکاران^۳، ۲۰۱۶). این افراد نسبت به اینکه چه کسی هستند و یا چه کسی می‌خواهند باشند احساسات روشن‌تری دارند و بیشتر از بقیه تمایل دارند با دیگران بهتر و اجتماعی‌تر رفتار کنند (شوآرتز و همکاران، ۲۰۱۱). در مقابل، هویت اجتماعی بیشتر ناظر بر تعلق فرد به گروه و اجتماعات انسانی است که از آن جمله می‌توان به هویت دینی، هویت ملی، هویت قومی و... اشاره کرد. هویت اجتماعی از پایگاهی نشأت می‌گیرد که فرد در جامعه اشغال کرده است. در تعریف جنکینز^۴ (۲۰۱۴) هویت اجتماعی عبارت است از شیوه‌هایی که به واسطه آنها فرد و اجتماع از هم متمایز می‌شوند و حاصل آن برقراری روابط و پیوندهای هویتی و متمایز ساختن نظام‌مند شباهت و تفاوت میان افراد و جوامع است. به اعتقاد جنکینز، تعاملی دوسویه میان هویت و زندگی اجتماعی جریان دارد. هویت از سویی، شرط لازم برای زندگی اجتماعی است و از سوی دیگر، در جریان زندگی اجتماعی شکل می‌گیرد، تغییر می‌کند و بازسازی

1. Moshman, D.

2. Blasi, A.

3. Schwartz, S. J., & et al.

4. Jenkins, R.

می‌شود (حیدری و شاوردی، ۱۳۹۲: ۴۱). هویت ملی^۱ به مثابه پدیده‌ای سیاسی و اجتماعی، زاده عصر جدید است. گیبرنائو^۲ (۲۰۰۱) ملت را یک گروه انسانی می‌داند که از یک اجتماع خودآگاه تشکیل شده است، گذشته‌ای مشترک دارد، طرحی برای آینده دارد و ادعای حق حاکمیت بر خود را دارد. از این رو ملت شامل پنج بعد اصلی است: بعد روان‌شناسانه، بعد فرهنگی، بعد سرزمینی، بعد سیاسی و بعد تاریخی. هویت ملی به معنای احساس تعلق و وفاداری به عناصر و نهادهای مشترک در اجتماع ملی و در میان مرزهای تعریف شده سیاسی است. مهم‌ترین عناصر و نهادهای ملی که باعث شناسایی و تمایز می‌شوند عبارتند از: سرزمین، دین، آداب و مناسک، تاریخ، زبان، ادبیات و دولت (افروغ و احمدلو، ۱۳۸۱). در تعریفی دیگر هویت ملی نوعی احساس تعلق به ملتی خاص است؛ ملتی که نمادها، سنت‌ها، مکان‌های مقدس، آداب و رسوم، قهرمانان تاریخی، فرهنگ و سرزمین معین دارد. هویت مذهبی نیز مجموعه‌ای از ارزش‌های فردی است که به صورت برداشت‌های مذهبی، علمی و اجتماعی نمایان می‌شود. اغلب تعلق به اجتماع مذهبی خاص به عنوان هویت مذهبی تعریف می‌شود، اما این مفهوم معنای وسیع‌تری دارد، شامل: آرمان‌های دینی، اعمال و مناسک دینی و اهمیت مذهب برای شخص و هویت فردی (کینگ^۳، ۲۰۰۳). به عنوان مثال محتوای هویت مذهبی ممکن است خود را در عبارت‌هایی همچون «من مسلمان هستم»، «من نمازگزار هستم» (بریتین و اسپنسر^۴، ۲۰۱۲) نشان دهد یا بر مؤلفه‌هایی تاکید نماید چون: شایستگی‌های اجتماعی (سئول ولی^۵، ۲۰۱۲)، بهزیستی روان‌شناختی، معنای زندگی (دیویس و کیانگ^۶، ۲۰۱۶) و رفتارهای اجتماعی مانند فعالیت‌های داوطلبانه (فورو و همکاران^۷، ۲۰۰۴). شواهد

1. national identity.
2. Guibernau, M.
3. King, P. E.
4. Brittan, A. S., & Spencer, A. S.
5. Seol, K., O & Lee, R. M.
6. Davis, R. F., & Kiang, L.
7. Furrow, J. L., & et al.

نشان می‌دهد افرادی که هویت خود را بر ابعاد مذهبی متمرکز می‌کنند، از نتایج روانی-اجتماعی مثبتی برخوردار هستند و با دیگران بهتر رفتار می‌کنند (هاردی و همکاران^۱، ۲۰۱۷) اگرچه استثنائاتی نیز در این زمینه وجود دارد (نلسون^۲، ۲۰۰۹). هویت قومی به عنوان یکی از سطوح جامعه‌پذیری تعریف می‌شود که فرد خود را با یک گروه بزرگ قومی متصل و مربوط می‌کند و از آن طریق به صورت نمادین یا واقعی، خود را عضو آن گروه بزرگ قومی می‌پندارد (ایساجیو^۳، ۱۹۹۰). هویت قومی در واقع از انتساب و تعلق افراد به یک قوم نشأت می‌گیرد. قوم، اجتماعی است از افراد دارای منشأ مشترک اعم از واقعی یا خیالی، سرنوشت مشترک، احساس مشترک، دارای روابط با سایر گروه‌ها، بر اساس رموز و نمادهای فرهنگی مشترک، در یک میدان تعامل درون‌گروهی که با کسب هویت جمعی مبدل به «ما» می‌شوند (چلبی، ۱۳۷۸).

درباره هویت فردی و اجتماعی و نقش آن در هویت‌یابی، تحقیقات تجربی زیادی انجام شده است. مارسیا (۱۹۸۹) نشان داد تغییرات تاریخی، اقتصادی و سیاسی بر عادات و سنت‌ها اثر گذاشته و باعث افزایش هویت آشفته می‌شوند. کینگ (۲۰۰۳) نیز (که نقش ایدئولوژیکی، اجتماعی و معنوی مذهب را در هویت‌یابی نوجوانان مطالعه کرده است)، به این نتیجه رسید که محتوای مذهب با ایجاد تمایز، نقش مهمی در هویت‌یابی و تعهد نوجوانان دارد و باعث ارتقای احساس هویت در نوجوانان می‌شود. هادری و همکاران (۲۰۱۷) نقش نسبی ساختار هویت^۴ (یعنی هویت فردی) و محتوای هویت^۵ (یعنی هویت دینی و هویت اخلاقی) را در پیش‌بینی رفتارهای اجتماعی بررسی کرده‌اند. در پژوهش مذکور از هویت فردی، هویت دینی و هویت اخلاقی به عنوان پیش‌بینی‌کننده رفتارهای اجتماعی و ضد اجتماعی استفاده شده و رابطه متقابل هویت فردی با هویت

1. Hardy, S. A., & et al.
2. Nelson, J. M.
3. Isajiw, W.
4. identity structure.
5. identity content.

دینی و هویت اخلاقی بررسی شده است. نتایج این پژوهش نشان داد هویت اخلاقی قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده هر دو رفتار بود و هویت دینی و هویت اخلاقی هر دو در پیش‌بینی رفتارهای ضد اجتماعی با هویت فردی در تعامل هستند. رحیمی‌نژاد (۱۳۷۹) نشان داده است که نفی هویت ملی و مذهبی (که بیانگر طرد فرهنگ خودی است) با دو منزلت هویتی آشفته و معوق همبستگی مثبت، با حالت اضطراب همبستگی مثبت و با حرمت خود، همبستگی منفی دارد. نیازی (۱۳۹۰) در بررسی نقش ماهواره و برنامه‌های ماهواره‌ای در فرسایش هویت فردی، اجتماعی، ملی و دینی، بین میزان استفاده از ماهواره با هویت اجتماعی رابطه معنادار و معکوس مشاهده کردند. برجعلی و همکاران (۱۳۹۲) در بررسی رابطه بین جهت‌گیری مذهبی و هویت فردی و تعیین نقش این عامل در پیش‌بینی هویت پایدار به این نتیجه دست یافتند که بین جهت‌گیری مذهبی با هویت فردی، رابطه‌ای معنادار و مثبت وجود دارد. از نظر جلیلی و ارجمندی (۱۳۹۴) نیز دین در عرصه هویت فردی و هویت اجتماعی نقش پررنگ و تاثیرگذاری دارد.

آنچه در مطالعات هویت مغفول مانده، بررسی رابطه بین هویت فردی و هویت اجتماعی است، زیرا رشد و تحول هویت پیامدهای مهمی برای عملکرد اجتماعی در طول عمر خواهد داشت (شوارتز و همکاران، ۲۰۱۱). صاحب‌نظران بین شیوه‌ای که افراد به صورت ذهنی هویت خود را تجربه کرده‌اند (ساختار هویت) و موضوعاتی که اساس هویت آنها را تشکیل می‌دهند (محتوای هویت) تمایز قائل شده‌اند. یعنی افراد نه تنها از نظر میزان انسجام هویت (ساختار هویت)، بلکه در احساس هویت و شیوه‌ای که خود را تعریف می‌کنند (محتوای هویت) با یکدیگر تفاوت دارند. هم ساختار هویت و هم محتوای هویت با نحوه تعامل افراد با یکدیگر از جمله رفتارهای اجتماعی مفید و یا رفتارهای آسیب‌زا و ضد اجتماعی ارتباط دارد (هاردی و همکاران، ۲۰۱۷). تمایز یافتگی فردی، نقشی اساسی در رسیدن به یک زندگی سالم و کاهش اضطراب مزمن ایفا می‌کند، لذا شناخت ابعاد آن و تبیین رابطه آن با دیگر سطوح هویت اجتماعی (و فهم تأثیر و تأثر متغیرهای میانجی مثل تأثیر رسانه‌های جمعی بر هویت فردی و روابط بین ابعاد مختلف

هویت فردی)، اهمیت اساسی دارد. شناخت این مساله و پاسخ به آن هدف اصلی این مقاله است.

روش‌شناسی تحقیق

در این مطالعه از روش پیمایش و روش همبستگی استفاده شده است. جامعه آماری این طرح شامل شهروندان بالای ۱۵ سال ساکن در مراکز استانهاست. برای تعیین جمعیت نمونه از فرمول کوکران استفاده شده است. در فرمول زیر، n برابر تعداد نمونه، z ضریب اطمینان (که مقدار آن برابر ۱٫۹۶ است)، d تفاوت میانگین نمونه و میانگین جامعه که برابر ۱٫۱۶ است و s نیز انحراف معیار متغیر وابسته می‌باشد که از نتایج مطالعه پایلوت بدست آمده و برابر با ۲۱٫۲۹ است.

$$n = \frac{z^2 s^2}{d^2} = \frac{1.96^2 * 21.29^2}{1.16^2} = \frac{3.84 * 453.26}{1.34} = 1300$$

حجم نمونه نهایی با توجه به محاسبات انجام شده ۱۳۰۰ نمونه است. برای توزیع نمونه یک سوم مراکز استانها به صورت تصادفی ساده انتخاب شد. تعداد نمونه براساس حجم برآورد شده بین هفت شهر مرکز استان یعنی تهران (۳۰۰ نمونه)، مشهد (۲۰۰ نمونه)، شیراز (۲۰۰ نمونه)، رشت (۱۵۰ نمونه)، تبریز (۱۵۰ نمونه)، سنندج (۱۵۰ نمونه) و اهواز (۱۵۰ نمونه) توزیع شد.

ابزار گردآوری داده در این پژوهش پرسشنامه محقق ساخته است. برای تعیین روایی ابزار تحقیق، از روایی صوری استفاده شده است، بدین صورت که پرسشنامه تدوین شده در اختیار ده نفر از متخصصین جامعه‌شناسی و روان‌شناسی قرار داده شد و از ایشان درباره محتوای سوالات نظرخواهی و نظرات ایشان در پرسشنامه اعمال شد. بعد از اعمال نظرات صاحب نظران، پرسشنامه اولیه برای اجرا آماده و بین ۳۰ نفر از جامعه آماری توزیع و از ایشان خواسته شد تا به سوالات پاسخ دهند. بعد از تکمیل پرسشنامه توسط پاسخگویان، داده‌های به دست آمده مورد تحلیل قرار گرفت. برای تحلیل نتایج از

روش‌های تحلیل سوال و تحلیل پایایی استفاده شد. برای تحلیل پایایی از آزمون آلفای کرونباخ و برای تحلیل سوال از روش‌های ضریب مقبولیت، ضریب تمییز و هماهنگی درونی سوالات استفاده گردید. سرانجام میزان معناداری هر سوال (در دو روش فوق)، مبنای قضاوت قرار گرفت؛ بدین صورت که اگر سوالی حداقل در دو روش از سه روش ذکر شده (در تحلیل سوال)، معنادار بود، انتخاب و در غیر این صورت حذف شد. در پایان شاخص‌ها تلخیص و پرسشنامه نهایی بر اساس ابعاد و مؤلفه‌های زیر تدوین شد.

جدول ۱: ابعاد، شاخص‌ها و ضرایب آلفای کرونباخ

آلفای کرونباخ	معرف‌ها (متغیرها)	ابعاد
۰,۸۹۷	شبکه‌های اجتماعی موبایلی (مثل تلگرام، وایبر، لاین و...)	استفاده از
۰,۷۹۷	سایت‌های خبری اینترنتی و خبرگزاری‌ها	
۰,۷۹۶	شبکه‌های اجتماعی (مثل فیسبوک، کلوب، و...)	ارتباطات
۰,۷۹۵	شبکه‌های تلویزیونی خارجی و ماهواره	
۰,۶۹۵	روزنامه و مطبوعات	جمعی
۰,۷۹۴	شبکه‌های رادیویی	
۰,۷۸۴	شبکه‌های تلویزیونی داخلی	
۰,۶۸۱	سعی می‌کنم از اعضاء دیگر گروه‌های قومی فاصله بگیرم.	ملی‌گرایی
۰,۷۳۹	دفاع از ایران را بردفاع از سرزمین قومی‌ام ترجیح می‌دهم	
۰,۷۳۴	من کسانی را ایرانی می‌دانم که به مراسم و مناسبت‌های ایرانی پای بند هستند.	
۰,۸۲۱	راه‌های زیادی برای تقسیم مسئولیت در زندگی خانوادگی وجود دارد، اکنون می‌دانم چه راه و روشی را در زندگی آینده خود می‌پسندم.	تمایز یافتگی فردی
۰,۷۵۹	من با افراد مختلفی دوست بوده‌ام و اکنون دقیقاً می‌دانم دوستانم باید دارای چه خصوصیتی باشند.	
۰,۷۴۵	به دنبال انتخاب شیوه‌ای مناسب برای تقسیم مسئولیت در زندگی خانوادگی هستم.	
۰,۷۲۵	دین می‌تواند نیازها و مسائل اجتماعی کشور را پاسخ دهد.	اهمیت دین
۰,۷۰۹	به مسلمان بودن خود افتخار می‌کنم.	
۰,۸۰۴	لازمه موفقیت در زندگی امروزی، توجه به ارزشهای دینی است.	

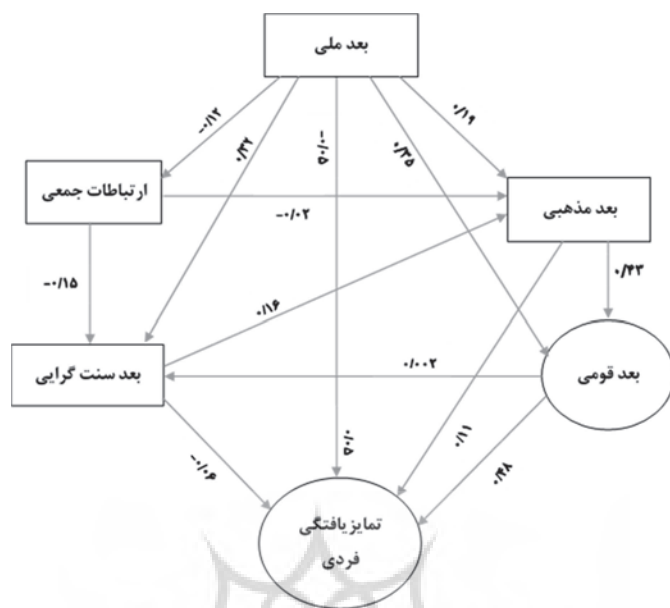
۰,۷۸۲	من به فرهنگ قومی خودم افتخار می‌کنم.
۰,۷۷۹	در قبال مردم هم‌زمان و هم‌شهریانم احساس مسئولیت می‌کنم.
۰,۸۲۲	دلایل عقب ماندگی اقوام را باید بیرون از حوزه اراده و تصمیم آنان جستجو کرد.
۰,۷۶۰	هوش بالای خودم را عامل اصلی ایفای نقش اجتماعی در جامعه می‌دانم.
۰,۷۶۶	نگرش من راجع به نقش و مسئولیت زن و مرد، همان نظر سنت است.
۰,۷۱۴	بیشتر مواقع تلاش می‌کنم ارزش‌های گذشته را پاسداری کنم.
۰,۸۹۰	از معاشرت با افرادی که همسر غیر مذهبی دارند پرهیز می‌کنم.

یافته‌ها

تعداد کل پاسخگویان ۱۳۱۲ نفر می‌باشد که ۵۰/۴ درصد از پاسخگویان زن و ۴۹/۶ درصد مرد است. ۳۶/۲ درصد از پاسخگویان زیر ۳۰ سال، ۲۰/۸ درصد بین ۳۰-۳۹ سال، ۱۶/۷ درصد بین ۴۰-۴۹ سال، ۱۳/۸ درصد بین ۵۰-۵۹ سال و ۱۲/۵ درصد نیز بالای ۶۰ سال هستند. سن کوچکترین پاسخگو ۱۶ و بزرگترین پاسخگو ۶۷ سال است و میانگین سنی پاسخگویان نیز ۳۸/۸ سال است. انحراف معیار نیز برابر با ۱۴/۰۹ است. وضعیت تاهل پاسخگویان حاکی از آن است که ۲۹/۳ درصد از پاسخگویان مجرد، ۶۵/۹ درصد متاهل و ۱/۷ درصد مطلقه هستند. همچنین ۳/۲ درصد نیز در اثر فوت، همسر خود را از دست داده‌اند. ۴۹/۱ درصد از پاسخگویان فارس، ۱۹/۲ درصد ترک، ۱۲/۱ درصد کرد، ۴/۶ درصد عرب، ۲/۶ درصد لر، ۱۰ درصد گیلک و ۲/۴ درصد نیز از سایر اقوام ایرانی هستند. ۸ درصد از پاسخگویان در بخش دولتی، ۸/۱ درصد در بخش خصوصی و ۲۲/۷ دارای شغل آزاد هستند. همچنین ۶/۷ درصد از پاسخگویان بازنشسته، ۱۱/۳ درصد دانشجو، ۳۲/۴ درصد خانه دار و ۶/۱ درصد نیز بیکار هستند از نظر تحصیلات ۶۵/۸ درصد از پاسخگویان دیپلم و زیر دیپلم، ۲۹/۲ درصد کاردانی و کارشناسی، ۴/۶ درصد کارشناسی ارشد و ۰/۲ درصد نیز دکتری هستند.

برای بررسی و تعیین روابط بین ابعاد مختلف هویت فردی، از روش تحلیل مسیر استفاده شد و روابط بین ابعاد مختلف و تأثیر هر یک از متغیرها بر یکدیگر محاسبه و

تعیین شد. روابط بین ابعاد مختلف هویت فردی در شکل زیر مشخص شده است.



شکل ۱: مدل تجربی پژوهش

در ادامه، نتایج تحلیل مسیر و ضرایب مسیر، مربوط به روابط مستقیم، غیرمستقیم و روابط کل، ارائه شده است.

جدول ۲: ضرایب مسیر

مقدار استاندارد رابطه کل	مقدار استاندارد رابطه غیر مستقیم	مقدار استاندارد رابطه مستقیم	رابطه بین متغیرها
-۰/۲۰۰**	-	-۰/۲۰۰**	بُعد ملی با ارتباطات جمعی
-۰/۳۲۰**	۰/۰۷۵**	-۰/۲۴۵**	بُعد ملی با هویت مذهبی
۰/۴۲۸**	۰/۰۲۴	۰/۴۰۴**	بُعد ملی با سنت‌گرایی
-۰/۱۱۶**	-	-۰/۱۱۶**	ارتباطات جمعی با سنت‌گرایی
-۰/۰۳۳	-۰/۰۲۰	-۰/۰۱۴	ارتباطات جمعی با هویت مذهبی
۰/۳۵۶**	۰/۱۳۱*	-۰/۴۰۷**	بُعد ملی با بُعد قومی

مقدار استاندارد	مقدار استاندارد رابطه	مقدار استاندارد	رابطه بین متغیرها
رابطه کل	غیرمستقیم	رابطه مستقیم	
-۰/۰۳۸	-۰/۰۱۳	-۰/۰۲۵	ارتباطات جمعی با بعد قومی
-۰/۰۰۸	۰/۰۸۰**	۰/۰۸۷*	سنت‌گرایی با تمایز یافتگی
۰/۴۷۰**	۰/۳۰۵**	۰/۱۶۶**	هویت مذهبی با تمایز یافتگی
۰/۷۷۶**	-	۰/۷۷۶**	هویت قومی با تمایز یافتگی
۰/۳۳۷**	۰/۴۳۳**	-۰/۰۹۶*	بعد ملی با تمایز یافتگی
۰/۳۹۳**	-	۰/۳۹۳**	هویت مذهبی با هویت قومی
۰/۱۶۹**	-	۰/۱۶۹**	سنت‌گرایی با هویت مذهبی
۰/۰۰۲	-	۰/۰۰۲	هویت قومی با سنت‌گرایی

** . Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed).

* . Correlation is significant at the 0.05 level (2-tailed).

با توجه به نتایج جدول فوق، رابطه مستقیم، غیرمستقیم و کل، بین متغیرهای بعد ملی هویت فردی و هویت مذهبی، بعد ملی هویت فردی با بعد قومی هویت فردی، بعد مذهبی با تمایز یافتگی فردی و همچنین بعد ملی هویت فردی با تمایز یافتگی فردی معنی‌دار ($p < ۰,۰۰۵$) است.

رابطه مستقیم و کل بعد ملی هویت فردی با ارتباطات جمعی، بعد ملی با سنت‌گرایی، ارتباطات جمعی با سنت‌گرایی، بعد قومی با تمایز یافتگی فردی، بعد مذهبی با بعد قومی هویت فردی و سنت‌گرایی با بعد مذهبی هویت فردی معنی‌دار ($p < ۰,۰۰۵$) است؛ اما در رابطه غیرمستقیم معنی‌دار ($p > ۰,۰۰۵$) نیست. این بدان معنی است که بین متغیر مستقل (بعد ملی‌گرایی و بعد مذهبی) و متغیر وابسته (تمایز یافتگی فردی) رابطه ($p < ۰,۰۰۵$) وجود دارد و متغیرهای میانجی نقش تسهیل‌گر دارند. همچنین بین بعد ملی‌گرایی و بعد قومی هویت فردی رابطه ($p < ۰,۰۰۵$) وجود دارد و متغیرهای میانجی (بعد مذهبی و ارتباطات جمعی) نقش تسهیل‌گر دارند.

جدول ۳: واریانس متغیرها در مدل

معنی داری	مقدار t	خطای استاندارد	برآورد	
۰/۰۰۰	۲۵/۶۰۳	۰/۰۴۹	۱/۲۶۱	ارتباطات جمعی
۰/۰۰۰	۲۵/۶۰۳	۰/۰۷۵	۱/۹۳۰	بعد مذهبی
۰/۰۰۰	۲۵/۲۹۳	۰/۰۷۰	۱/۷۷۱	سنت گرایی
۰/۰۰۶	۲/۷۶۹	۰/۵۵۵	۱/۵۳۷	بعد قومی
۰/۰۰۰	۵/۹۲۵	۰/۰۶۲	۰/۳۶۷	تمایز یافتگی فردی

همانگونه که در جدول فوق آمده است مدل از بعد ملی گرایی کفایت دارد ولی از طریق متغیرهای ارتباطات جمعی، سنت گرایی، بعد قومی، بعد مذهبی و تمایز یافتگی فردی قابل گسترش است. برای بررسی برازش مدل نهایی از شاخص های مختلفی استفاده شده است که نتایج آن در جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۴: شاخص های برازش مدل نهایی

شاخص	مقدار	دامنه مورد قبول	نتیجه
χ^2	۱/۱۰۷	< ۲	تایید مدل
P.value	۰/۳۴۷	> ۰/۹	تایید مدل
CMIN	۱۴/۳۹۷	> ۰/۹	تایید مدل
PCLOSE	۱/۰۰۰	> ۰/۹	تایید مدل
RMSEA	۰/۰۰۹	> ۰/۹	تایید مدل
NFI	۰/۹۹۳	> ۰/۹	تایید مدل
CFI	۰/۹۹۹	> ۰/۹	تایید مدل
IFI	۰/۹۹۹	> ۰/۹	تایید مدل
TLI	۰/۹۹۸	> ۰/۹	تایید مدل
RFI	۰/۹۷۹	> ۰/۹	تایید مدل

همانگونه که ملاحظه می شود مدل از برازش مناسبی برخوردار است. براساس

یافته های تحقیق، نتایج زیر را می توان استنتاج کرد:

یک؛ بین بعد قومیتی هویت و تمایزیافتگی فردی رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد. ضریب بدست آمده ($T=5/002$ و $Sig = 0/000$) با خطای استاندارد ($0/097$) نشان می‌دهد که فرضیه فوق در سطح ۹۹ درصد اطمینان، معنی‌دار می‌باشد و هرچه بعد قومی هویت فردی بالاتر می‌رود میزان تمایزیافتگی فردی نیز بالاتر می‌رود.

دو؛ بین بعد ملی هویت و تمایزیافتگی رابطه معنی‌دار و مثبت وجود دارد. ضریب بدست آمده ($T=2/071$ و $Sig = 0/038$) با خطای استاندارد ($0/025$) نشان می‌دهد که فرضیه فوق در سطح ۹۵ درصد اطمینان معنی‌دار است. البته بعد ملی با میانجیگری متغیرهای ارتباطات جمعی و سنت‌گرایی؛ همچنین بعد قومی بر میزان تمایزیافتگی تأثیر غیرمستقیم دارند.

سه؛ بین بعد مذهبی و تمایزیافتگی رابطه معنی‌دار و مثبت وجود دارد. یعنی با افزایش بعد مذهبی هویت، تمایزیافتگی افراد نیز افزایش می‌یابد. ضریب بدست آمده ($T=4/149$ و $Sig = 0/000$) و خطای استاندارد ($0/027$) نشان می‌دهد فرضیه فوق در سطح ۹۹ درصد اطمینان، معنی‌دار است.

چهار؛ بین سنت‌گرایی و میزان تمایزیافتگی رابطه معنی‌دار و منفی وجود دارد. یعنی با افزایش سنت‌گرایی، از میزان تمایزیافتگی کاسته می‌شود. ضریب بدست آمده ($T= -2/899$ و $Sig = 0/004$) و خطای استاندارد ($0/021$) نشان می‌دهد فرضیه فوق در سطح ۹۹ درصد اطمینان، معنی‌دار است.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج نشان داد بعد قومی هویت فردی، بعد ملی هویت فردی، بعد مذهبی هویت فردی و ارتباطات جمعی با تمایزیافتگی فردی به صورت مستقیم و غیرمستقیم رابطه معنی‌دار دارند. براساس نتایج بدست آمده از مدل تحقیق، حدود ۶۵ درصد از تمایزیافتگی فردی توسط این مدل تبیین می‌شود. به طوری که حدود ۲۰ درصد از

تغییرات مدل توسط ارزش‌های سنتی، ۱۳ درصد توسط مذهب و ۴۳ درصد نیز با متغیر قومیت تبیین شده است. بر اساس نتایج تحقیق می‌توان گفت اولاً نقش ابعاد اجتماعی در ساختمان هویت فردی بسیار پررنگ و تعیین کننده است. ثانیاً این عناصر و اجزا مستقل از هم نبوده بلکه کاملاً با یکدیگر رابطه متقابل و دوسویه دارند. در این بین تمایز یافتگی فردی که متغیر مرکزی هویت فردی است از عناصر متعددی متأثر است که خود این عناصر نیز با یکدیگر در تعامل و درکنش هستند. به عنوان مثال، بر اساس یافته‌های پژوهش، هرچه بعد قومی تقویت می‌شود میزان تمایز یافتگی فردی افراد نیز افزایش می‌یابد. این یک واقعیت است که ساختار هویتی هر فرد از ارزش‌های مذهبی، ارزش‌های سنتی و بعد قومیتی هویت تأثیر می‌پذیرد. عقاید مذهبی با معرفی هدف نهایی آفرینش و پاسخ به سوالات وجودی فرد، نقش چشم‌گیری در تشکیل هویت ایفا می‌کند. این نشان می‌دهد که روابط متقابلی بین بعد مذهبی با تمایز یافتگی فردی وجود دارد. در واقع مذهب باعث قوام و شکل‌گیری هویت فردی می‌شود و سپس هویت فردی، خود تحکیم بعد مذهبی فرد را به دنبال دارد. سنت و ارزش‌های آن نیز در تشکیل ساختار هویتی فرد نقش مهمی را ایفا می‌کند و به عنوان مؤلفه‌ای از هویت اجتماعی در فرایند تمایز یافتگی اعمال نفوذ کرده و تأثیرات خود را نشان می‌دهد. متغیرهای ارزش‌های مذهبی، ارزش‌های سنتی و قومیت بعنوان ابعاد مختلف هویت اجتماعی نقش میانجی را بین بعد ملی تمایز یافتگی فردی برعهده دارند. این یافته با نظریه و یافته‌های تاجفل (که هویت قومی را بخشی از مفهوم خود می‌داند)، همسواست. بعد ملی نیز از طریق متغیرهای میانجی هویت اجتماعی و رسانه‌های جمعی بر تمایز یافتگی فردی تأثیر می‌گذارد و ابعاد هویت اجتماعی (ارزش‌های مذهبی، ارزش‌های سنتی و قومیت) در یک چرخه با یکدیگر کنش متقابل داشته و در نهایت چرخه‌ای بنام چرخه هویت اجتماعی را تشکیل می‌دهند. در این بین متغیر ارتباطات جمعی نیز به عنوان نیروی تغییر بیرونی بر این چرخه تأثیر داشته و آن را دگرگون می‌کند. لذا هرگونه دستکاری در هریک از ابعاد، تغییر و تحول در سایر ابعاد را به دنبال خواهد داشت. در واقع اگر بخواهیم

بعد مذهبی یا ملی را دستکاری کنیم ابعاد قومی و سنتی نیز دستخوش تحول خواهد شد.

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که هویت، متکثر، چندپاره و تغییرپذیر و با نوعی پلورالیسم روبروست. یعنی منابع هویت بخش متنوع بوده و هر کس انواعی از منابع هویت بخش در شاکله هویتی خود دارد. تمام ابعاد و سطوح هویت فردی باهم در تعامل هستند بین منابع متشکله هویت، هماهنگی و همزیستی وجود دارد که این باعث انسجام و یکپارچگی در هویت فردی و البته دیگر صور هویت می‌شود. لذا بین منابع هویت، ترکیب متعادلی وجود دارد و هر فرد با ترکیب نسبتاً موزونی از منابع هویتی زندگی می‌کند. بین منابع مختلف شکل دهنده هویت، هماهنگی و تعامل وجود دارد نه تخصم و تراحم. هویت می‌تواند چندگانه، تودرتو، چند لایه، چند بعدی و متکثر باشد و اصولاً هویت شامل مجموعه‌های محقق‌ی است که افراد در زندگی و تجربیات روزمره خود انباشت می‌کنند و الزاماً این هویت‌ها نافی هم نیستند.

پیشنهاد می‌شود در سیاستگذاری‌های هویتی، به اندرکنش و روابط دو سویه عناصر و ابعاد مختلف هویت توجه شود و باید توجه کرد که هرگونه برنامه و سیاست نیندیشیده در این حوزه، می‌تواند پیامدهای ناخواسته و پیش‌بینی نشده به دنبال داشته باشد. نکته مهم دیگری که در این پژوهش به دست آمد نقش پررنگ هویت قومی در تمایز یافتگی فردی و هویت فردی ایرانیان بود؛ اگرچه این نکته با توجه به پویای قومی در کشور، یافته چندان تازه و جدیدی نیست ولی نکته مهمی که در این یافته می‌توان بدان اشاره کرد این است که هویت قومی با ارزش‌های مذهبی و ملی عجین و پیوند محکمی دارد. در واقع قومیت و ارزش‌های قومی را می‌توان موتور محرکه بخش بزرگی از اجتماعات و گروه‌های جمعیتی در کشور تلقی کرد و از برنامه‌ریزان و سیاستگذاران کلان انتظار می‌رود به این عامل در سیاستگذاری‌ها و برنامه‌های فرهنگی توجه داشته باشند و آن را نادیده نگیرند.

سپاسگزاری

این مقاله از طرح «بررسی و سنجش هویت فردی ایرانیان» که با حمایت مالی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی اجرا گردیده، استخراج شده است. بدین وسیله از مدیریت این پژوهشگاه، به ویژه معاونت پژوهشی که نقش زیادی در اجرای این طرح داشتند، قدردانی می‌شود.

منابع

- افروغ، ع. احمدلو، ح. (۱۳۸۱). رابطه هویت ملی و هویت قومی در بین جوانان تبریز. *فصلنامه مطالعات ملی*. سال ۴. شماره ۱۱. صص ۱۴۳-۱۰۹.
- برجعلی، ز. خسروی، ز. پورشهریاری، م. (۱۳۹۲). نقش جهت‌گیری مذهبی در ساختار هویت فردی. *فصلنامه روان‌شناسی ودین*. دوره ۶. شماره ۳. صص ۹۷-۱۰۸.
- جلیلی، ع. ارجمندی، م. (۱۳۹۴). بررسی نقش دین در هویت انسان. *دومین کنگره بین‌المللی تفکر و پژوهش دینی*. ۱۶ مهر ۱۳۹۴. https://www.civilica.com/Paper-CONFIR02-CONFIR02_007.html
- چلبی، م. (۱۳۷۸). میزگرد وفاق اجتماعی، *فصلنامه مطالعات ملی*. سال نخست. زمستان ۱۳۷۸ و بهار. صص ۱-۱۲.
- حیدری، ح. شاوردی، ت. (۱۳۹۲). شبکه‌های اجتماعی مجازی و قومیت؛ فرصت‌ها و تهدیدهای پیش‌رو. *فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی*. سال ۲۰. شماره ۷۶. صص ۶۴-۳۷.
- رحیمی‌نژاد، ع. (۱۳۷۹). بررسی تحولی هویت و رابطه آن با حرمت خود و حالت اضطراب در دانشجویان کارشناسی. *رساله دکتری روان‌شناسی*. دانشگاه تربیت مدرس.
- سلگی، م. (۱۳۸۹). سنجش ابعاد و مؤلفه‌های هویت فردی و اجتماعی و تأثیر آنها بر انسجام هویت ملی دانشجویان دانشگاه‌های تهران، به منظور ارائه یک مدل روابط ساختاری، *پایان‌نامه دوره دکترای روان‌شناسی*، دانشگاه علامه طباطبائی.
- نیازی، م. کارکنان نصرآبادی، م. (۱۳۸۶). تبیین جامعه‌شناختی رابطه سرمایه فرهنگی خانواده با هویت اجتماعی جوانان. *فصلنامه مطالعات ملی*. سال ۸. شماره ۳. صص ۸۰-۵۵.
- Blasi, A. (2004). Neither personality nor cognition: An alternative approach to the nature of the self. In C. Lightfoot, C.Lalonde, & M. Chandler (Eds.), *Changing conceptions of psychological life* (pp. 3–25). Mahwah, NJ: Erlbaum.
- Brittian, A. S., & Spencer, M. B. (2012). Assessing the relationship between ethnic and religious identity among and between diverse American youth. In A. E. A. Warren, R. M. Lerner, & E. Phelps (Eds.), *Thriving and spirituality among youth: Research perspectives and future possibilities* (pp. 205–230). Hoboken, NJ:

- John Wiley & Sons.
- Davis III, R. F., & Kiang, L. (2016). Religious identity, religious participation, and psychological well-being in Asian American adolescents. *Journal of youth and adolescence*, 45(3), 532-546.
 - Erikson, E. H. (1968). *Identity: Youth and crisis*. Oxford, England: Norton & Co.
 - Furrow, J. L., King, P. E., & White, K. (2004). Religion and positive youth development: Identity, meaning, and prosocial concerns. *Applied Developmental Science*, 8(1), 17-26. Doi: 10.1207/S1532480XADS0801_3
 - Guibernau, M. (2001). Globalization and the nation-state. *Understanding nationalism*, 242-268.
 - Hardy, S. A., Nadal, A. R., & Schwartz, S. J. (2017). The integration of personal identity, religious identity, and moral identity in emerging adulthood. *Identity*, 17(2), 96-107.
 - Isajiw, W. (1990). Ethnic-Identity retention. En R. Breton, *Ethnic identity and equality: Varieties of experience in a Canadian city*.
 - Jenkins, R. (2014). *Social identity*. Routledge.
 - Jenkins, Richard. *Social identity*. Routledge, 2014.
 - King, P. E. (2003). Religion and identity: The role of ideological, social, and spiritual contexts. *Applied Developmental Science*, 7(3), 197-204. Doi: 10.1207/S1532480XADS0703_11
 - Marcia, J. E. (1987). The identity status approach to the study of ego identity development. In T. Honess & K. Yardley (Eds.), *Self and identity: Perspectives across the lifespan* (pp. 161-171). New York, NY, US: Routledge.
 - Marcia, J. E. (1989). Identity diffusion differentiated. *Psychological development: Perspectives across the life-span*, 123137.
 - Moshman, D. (2011). *Adolescent rationality and development: Cognition, morality, and identity* (3rd Ed.). New York, NY: Psychology Press.
 - Nelson, J. M. (2009). *Psychology, religion, and spirituality*. New York, NY: Springer Science & Business Media.
 - Schwartz, S. J., Luyckx, K., & Vignoles, V. L. (Eds.). (2011). *Handbook of identity theory and research*. New York, NY: Springer.
 - Schwartz, S. J., Unger, J. B., Meca, A., Lorenzo-Blanco, E. I., Baezconde-Barganati, L., Cano, M. A., Pattarroyo, M. (2016). Personal identity development in Hispanic immigrant adolescents: Links with positive psychological functioning, depressive symptoms, and externalizing problems. *Journal of Youth and Adolescence*, Advance online publication. Doi: 10.1007/s10964-016-0615-y
 - Seol, K. O., & Lee, R. M. (2012). The effects of religious socialization and religious identity on psychosocial functioning in Korean American adolescents from immigrant families. *Journal of Family Psychology*, 26(3), 371-380. Doi: 10.1037/a0028199